



# آنجا کہ پیادہ رو پایان می یابد ...

شل سیلور استاین

ترجمہ: رضی ہیرمندی



انتشارات شولا



## فهرست

<p>۶۲..... لولوها دارند می آیند.....</p> <p>۶۶..... اختراع.....</p> <p>۶۸..... حراج.....</p> <p>۷۰..... ساردین‌های خوابیده.....</p> <p>۷۲..... دوسانتی.....</p> <p>۷۵..... بیا به این خانه متروک.....</p> <p>۷۷..... طناب‌بازی.....</p> <p>۷۸..... بیمار.....</p> <p>۸۱..... طبقه بالا.....</p> <p>۸۲..... باغ.....</p> <p>۸۴..... کی؟.....</p> <p>۸۴..... دختر مسخره.....</p> <p>۸۶..... آنجا که پیاده‌رو پایان می‌یابد.....</p> <p>۸۸..... آدم برفی.....</p> <p>۹۱..... دندان درد تمساح.....</p> <p>۹۳..... انگشت شست.....</p> <p>۹۴..... لستر.....</p> <p>۹۷..... گراز وحشی.....</p> <p style="padding-left: 40px;">سارا سینتیا سیلویا استاوت</p> <p>۹۸..... آشغال‌ها را نمی‌گذاشت بیرون.....</p> <p>۱۰۲..... کلاه.....</p> <p>۱۰۲..... لعنتی‌ها.....</p> <p>۱۰۴..... شنیده‌ای که.....</p> <p>۱۰۵..... شرایط ازدواج با من.....</p> <p>۱۰۶..... تک‌شاخ.....</p> <p>۱۱۰..... مثل هم.....</p> <p>۱۱۲..... خانه درختی.....</p> <p>۱۱۴..... گل‌ریسه پرنده.....</p> <p>۱۱۶..... کلاه تنگ و احترام زیادی.....</p> <p>۱۱۷..... پسر نامرئی.....</p> <p>۱۱۸..... ساندویچ پسته‌شامی.....</p>	<p>۹..... دعوت.....</p> <p>۱۰..... بندبازان.....</p> <p>۱۱..... جادوگری.....</p> <p>۱۲..... وحشتناک.....</p> <p>۱۴..... قایق دست‌ساز.....</p> <p>۱۶..... یادم باشد.....</p> <p>۱۸..... ایکل‌می، پیکل‌می، تیکل‌می.....</p> <p>۲۱..... چهارم ژوئیه.....</p> <p>۲۲..... ناخدا پنجه‌قلاب.....</p> <p>۲۴..... در تاریکی.....</p> <p>۲۶..... ارکستر سرخود.....</p> <p>۲۸..... در آغوش‌کشی.....</p> <p>۲۹..... پرچم.....</p> <p>۲۹..... رنگ‌ها.....</p> <p>۳۰..... به دنبال گمشده.....</p> <p>۳۲..... جویی.....</p> <p>۳۴..... بچه تلویزیونی.....</p> <p>۳۷..... به نیایدها گوش کن.....</p> <p>۳۸..... چاشنی آسمان.....</p> <p>۳۹..... پرنده سحرآمیز.....</p> <p>۴۰..... دهقان و ملکه.....</p> <p>۴۳..... پَن‌کیک.....</p> <p>۴۴..... زرنگ.....</p> <p>۴۶..... ما.....</p> <p>۴۸..... فهرست.....</p> <p>۴۹..... باران.....</p> <p>۵۰..... من و دوست غولم.....</p> <p>۵۴..... یک داستان واقعی.....</p> <p>۵۷..... دو جعبه.....</p> <p>۵۸..... مار بوا.....</p> <p>۶۰..... هکتور چیز جمع‌کن.....</p>
--	---

۱۸۱	دارق و دورق.....	۱۲۳	هشدار.....
۱۸۲	شلوار رقاصی.....	۱۲۴	لبه دنیا.....
۱۸۳	نمیام بیرون.....	۱۲۶	بابائوئل و گوزن.....
۱۸۴	با دهان پر.....	۱۳۰	سیاره مریخ.....
۱۸۶	سرگرمی من.....	۱۳۱	بچه تنبل.....
۱۸۷	طرز شست و شو.....	۱۳۲	توکان جان.....
۱۸۹	وحشتناکترین.....	۱۳۴	کثیفترین مرد دنیا.....
۱۹۰	نی انبانی که نگفت نه.....	۱۳۸	محبت.....
۱۹۳	درازترین دماغ.....	۱۳۹	کمک.....
۱۹۴	رودی فلش.....	۱۴۰	ماکارونی.....
۱۹۵	مفرد و جمع.....	۱۴۲	پاککن جادویی.....
۱۹۶	پسر مویلند.....	۱۴۳	دیدگاه.....
۲۰۲	چسب زخم.....	۱۴۴	اگر یک برونتوسوروس داشتم.....
۲۰۴	نی قلبیونی.....	۱۴۶	بنجامین بان.....
۲۰۶	فرد.....	۱۴۸	نبرد.....
۲۰۷	سرزمین شادی.....	۱۴۹	ماهی ریزه.....
۲۰۸	ناخدا دزد دریایی.....	۱۵۰	نوشتن شعر.....
۲۱۰	ماهی.....	۱۵۱	الیکایی دم تیز.....
۲۱۱	پیش بینی با سنگ.....	۱۵۲	کنه.....
۲۱۲	اگر دنیا دیوانه بود.....	۱۵۴	تو کیسه چیه؟.....
۲۱۴	ماهی نقره ای.....	۱۵۷	هیولا.....
۲۱۶	ژنرال ها.....	۱۵۸	چه طور است؟.....
۲۲۰	ملیندا می.....	۱۵۸	آلیس.....
۲۲۴	زبان از یاد رفته.....	۱۶۰	سایه شویی.....
۲۲۵	من، من، فقط من.....	۱۶۲	دستور درست کردن ساندویچ اسب آبی.....
۲۲۶	آن که ماند و نرفت.....	۱۶۴	غریبه بیچاره.....
۲۲۸	موتور کوچک آبی رنگ.....	۱۶۶	هیجده مزه.....
۲۳۰	بچه ای که از تاریکی می ترسید.....	۱۶۷	عجب روزی.....
۲۳۲	گرسنه گرسنه.....	۱۶۸	مامان و خدا.....
۲۳۶	ایستاده.....	۱۷۰	چراغ راهنمایی.....
۲۳۶	ریش من.....	۱۷۲	آبگوشت من.....
۲۳۷	جست و جو.....	۱۷۴	سگ دو دم.....
۲۳۸	مبارک باشد.....	۱۷۶	پل بانیان.....

## جادوگری

سارا جن کوتوله<sup>۱</sup> دیده،  
ادی به ترول<sup>۲</sup> دست زده،  
لاری یک بار با جادوگرها رقصیده،  
چارلی طلای دیوها را پیدا کرده،  
دانالد آواز پری دریایی را شنیده  
سوزی هم با چشم خودش جن دیده.  
اما من بیچاره را بگو که خودم کرده‌ام  
هرچه از سحر و جادو بلد بوده‌ام.

## MAGIC

Sandra's seen a leprechaun,  
Eddie touched a troll,  
Laurie danced with witches once,  
Charlie found some goblins' gold.  
Donald heard a mermaid sing,  
Susy spied an elf,  
But all the magic I have known  
I've had to make myself.

## بندبازان

من با قوزک<sup>۱</sup> پا  
تاب می‌خورم.  
او زانوهای تو را می‌چسبد  
و تو هم آن بالا  
از یک تاب بلند  
با دماغ  
آویزان می‌شوی.  
فقط  
محض رضای خدا!  
وقت تاب خوردن در نسیم  
عطسه نکنی،ها!

## THE ACROBATS

I'll swing  
By my ankles,  
She'll cling  
To your knees  
As you hang  
By your nose  
From a high-up  
Trapeze.  
But just one thing, please,  
As we float through the breeze—  
Don't sneeze.

